

نقش انتظار و نیروسازی در استمرار انقلاب

علی جدید بناب^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۷

چکیده

نقش انتظار و تربیت نیرو با توجه به موقعیت و جایگاه مهدویت در پایایی انقلاب اسلامی، از منظر تحلیل‌گران تاریخی، از اهمیت خاصی برخوردار است. اما گستره نقش و تأثیرگذاری نیروسازی وسیع بوده و با وجود این گستردگی جایگاه، تحقیقی عمیق و یکپارچه در این عرصه صورت نگرفته است؛ بنابراین پرسش از اهمیت نقش نیروسازی و انتظاری در پویایی و تداوم انقلاب چه بوده است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی در خور است. به نظر می‌رسد نیروسازی در پایا بودن انقلاب اسلامی بسیار کارساز بوده و به پشتوانه علم اجمالی، نیاز به تتبع و تبیین تفصیلی آن دارد. این پژوهش با انگیزه شناخت نقش انتظار و نیروسازی در استمرار انقلاب، انجام گرفته است و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تبیین اقدامات صورت گرفته در جهت نیروسازی و نقش آن در مقوله مهدویت و انقلاب اسلامی صورت گرفته و با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است که نتیجه آن، تبیین نقش انتظار و نیروسازی در پیشبرد اهداف انقلاب و استمرار آن بوده است.

واژگان کلیدی

انتظار، نیروسازی، استمرار، انقلاب.

مقدمه

واکاوی نقش مقوله انتظار و نیروسازی در راستای تداوم انقلاب اسلامی از اهمیت و جایگاهی سترگ برخوردار است و چشم‌اندازی از مقوله انتظار، مهدویت و تأثیرگذاری آن در

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ
(alijadidbonab@yahoo.com).

پایایی انقلاب را جلوه‌گر می‌شود. آنچه در این پژوهش مطرح است این که اثربخشی انتظار و نیروسازی در تداوم انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟ عوامل موثر در نیروسازی چه بوده و در تحلیل آن چه می‌توان گفت؟ اقدامات انجام یافته در جهت نیروسازی و تحقق انتظار در جهت تقویت انقلاب شامل چه مواردی می‌شد و در تحلیل و ارزیابی آن چگونه می‌توان ارائه نظر نمود؟

بر این مبنا و در راستای پاسخگویی به سؤال مطرح شده، با استفاده از منابع و مستندات موجود در این زمینه، سعی در ارائه پاسخی مناسب و مطلوب بوده تا امکان تبیین ارزیابی اقدامات صورت گرفته در جهت تربیت نیرو و عوامل تأثیرگذار در توسعه فرهنگ انتظار میسر گردد.

در رابطه با پیشینه تحقیق، برخی از کاوش‌ها صورت گرفته که از آن جمله: مقاله «تربیت سیاسی در پرتو انتظار با تاکید بر آموزه‌های قرآن کریم» نوشته سیدمهدی موسوی، به بررسی تربیت سیاسی نیرو و رابطه آن با انتظار و انقلاب پرداخته و بحث انتظار و تربیت نیروی سیاسی را در ابعاد مختلف، از نگاه قرآنی مورد واکاوی قرار داده است ولی جامعیت مقاله مورد نظر را که به تأثیرگذاری نیروسازی و انتظار در تداوم انقلاب پرداخته، ندارد. مقاله دیگری تحت عنوان «انقلاب و انتظار» نوشته سیدمهدی طاهری، مقوله انتظار را در مکتب تشیع مورد بررسی قرار داده و نیم‌نگاهی هم به ادیان و مکاتب دیگر در این زمینه دارد و همچنین انواع انقلاب و در نهایت ارتباط بین این دو را مورد توجه قرار می‌دهد که در نهایت جامعیت مقاله مورد نظر را در راستای تأثیرگذاری انتظار و تربیت نیرو در تداوم انقلاب را ندارد. مقاله دیگر تحت عنوان «زمینه‌سازی ظهور، چیستی و چگونگی» نوشته نصرت‌الله آیتی است. در این مقاله به تبیین زمینه‌سازی در روایات پرداخته و تأثیر آن را در غیبت و ظهور بیان می‌نماید و در پی اثبات مسئولیت‌های دینی در جهت تحقق زمینه‌های ظهور بوده است که با رسالت مقاله پیش رو متفاوت خواهد بود. به طور کلی در پژوهش‌های مذکور، مباحث مفید و ارزشمندی در زمینه ظهور، انتظار، انقلاب اسلامی و... انجام یافته است، ولی به مقوله انتظار و نیروسازی و تأثیر مستقیم آن با تداوم و استمرار انقلاب اسلامی پرداخته نشده است که در این مقاله، به واکاوی در عرصه موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی

انتظار: برای انتظار از حیث لغت چندین معنا بیان شده است: چشم به راه بودن، دیده‌بانی، درنگ در امور و نوعی امید داشتن به آینده و نیز به حالت روانی کسی که از وضع موجود خسته شده و برای ایجاد وضع بهتری تکاپو و تلاش می‌کند، اطلاق می‌گردد (مصطفوی، ۱۳۷۱ش: ۶۶). در اصطلاح نیز انتظار عبارت است از: امید به آینده‌ای که در آن ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و زشتی نباشد و جهان از آنها رهایی یافته و عدالت گستره‌تری برگیتی حاکم باشد (صدر و دیگران، ۱۳۷۳ش: ج ۲، ۳۵۳) و در تعریفی دیگر: «چشم‌داشت همیشگی به این که وعده بزرگ الهی روی دهد و روزی فرا رسد که بشر در سایه عدالت کامل به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زندگی کند» (صدر، ۱۳۸۳ش: ۲۳۶).

نیروسازی: نیروسازی در مقالات و پژوهش‌های انجام یافته به معنای تربیت نیروهای مورد نیاز و مطلوب به کار رفته است و در برخی از پژوهش‌ها نیز برای معنای تربیت، دیدگاه‌های متعدد بیان شده است که از آن جمله: «جان استوارت میل، تربیت را هر تاثیری می‌داند که آدمی در معرض آن است. تفاوت نمی‌کند آشخور آن اثرگذاری؛ شیء، شخص و یا جامعه باشد» (رفیعی، ۱۳۸۸ش: ج ۱، ۹۰). «کانت، تربیت را پرورش و تأدیب و تعلیم توأم با فرهنگ می‌داند که در پی کامیابی متربی در جامعه آینده است؛ جامعه‌ای که به مراتب از جامعه کنونی برتر است» (همان).

شهید مطهری تربیت را چنین معنا کرده است:

پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن. بنابراین با صنعت «ساختن» به معنی این که شیء یا اشیایی را تحت یک نوع پیراستن‌ها و آراستن‌ها قرار می‌دهند و یا اجزاء و اشیایی را با هم ترکیب می‌کنند و نظمی میان‌شان برقرار می‌سازند، متفاوت است (مطهری، ۱۳۶۷ش: ۵۶ و ۷۶).

تربیت عبارت است از:

برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب (بهشتی، ۱۳۸۷ش: ۳۵).

انقلاب: واژه انقلاب معادل کلمه «Revolution»، برگرفته از کلمه «Revolutio - on» و ریشه «Revolver» است. این واژه ابتدا از اصطلاحات اخترشناسی بود که به تدریج در علوم طبیعی

اهمیت یافته و سپس برای نخستین بار در سده هفدهم، به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی به کار گرفته شد (علی بابایی، ۱۳۸۲ ش: ۱۱۱-۱۱۲). در فرهنگ فارسی عمید، انقلاب به معنای «حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تحول و تقلب و تبدل، تغییر کامل و مشخص در چیزی و یک چرخش دورانی» است (عمید، ۱۳۵۶ ش: ۱، ج ۱). انقلاب اسلامی، عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت که براساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم صورت می‌گیرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴ ش: ۲۱-۲۲).

در فرهنگ مصطلح سیاسی، با همه اختلاف نظرهایی که درباره تعریف کامل از پدیده انقلاب مشاهده می‌شود، ویژگی‌های عمده‌ای وجود دارد که آن را از تحولات دیگر جامعه و تغییرات اجتماعی جدا می‌کند. از آن جایی که تاکنون برای انقلاب، معنا و مفهوم جامع و مانعی ارائه نشده، برای آشنایی با تعریف این پدیده، برخی از تعریف‌های اندیشمندان با توجه به ابعاد مختلف آن بیان شده است: ساموئل هانتینگتون (Samuel Hantington) یکی از نویسندگان معاصر، انقلاب را به مثابه «یک تحول داخلی سریع، اساسی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم بر جامعه و در نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری و فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت» تعریف کرده و آن را از دیگر انواع بی‌ثباتی سیاسی نظیر کودتا، شورش‌ها و طغیان‌های اجتماعی و جنگ‌های استقلال طلب متمایز می‌سازد (هانتینگتون، ۱۳۷۵ ش: ۳۸۵). همچنین در تعریف دیگر، انقلاب از لحاظ سیاسی «به حرکت مردمی گفته می‌شود که نظام سیاسی یک کشور را از میان برمی‌دارد و نظام جدیدی را جایگزین آن می‌کند» (طلوعی، ۱۳۷۲ ش: ۱۹۱).

استاد شهید مرتضی مطهری در تعریف انقلاب گفته است:

«انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب»؛ از این رو ایشان ریشه انقلاب را دو چیز دانسته‌اند: ۱. نارضایتی و خشم از وضع موجود؛ ۲. آرمان یک وضع مطلوب. در هر انقلابی نفی و اثبات وجود دارد (نفی وضع موجود و اثبات وضعیت مطلوب) (مطهری، ۱۳۶۲ ش: ۲۹-۳۰).

بر همین اساس انقلاب اسلامی نیز به دلیل نارضایتی از وضع موجود، با اعتقاد مردم شیعه ایران به پیروی از رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه (در مقام نائب امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌التشریف و وجوب اطاعت و

پیروی از ایشان) و با هدف ایجاد وضع بهتر - از بین بردن عوامل ظلم و فساد، تشکیل حکومت اسلامی و زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت واحد جهانی امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام - به پیروزی رسید. اصطلاح انقلاب کاربردهای مختلف دارد؛ مانند انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی و انقلاب فکری. انقلاب در معمولی‌ترین معنای آن، تلاش برای ایجاد تحول بنیادین در سیستم حکومت است (لاکویر، ۱۳۷۸ش: ۹۱) یا به گفته گلدستون، تسخیر غیر قانونی و معمولاً خشونت‌آمیز قدرت است که موجب تحول اساسی در نهادهای حکومت می‌شود (گلدستون، ۱۳۸۵ش: ۸۲). هانا آرنست نیز انقلاب را دگرگونی به معنای آغازی تازه می‌داند که خشونت در آن برای رهایی از ستمگری به قصد استقرار آزادی است (آرنست، ۱۳۶۱ش: ۴۷).

تصاحب رسمی قدرت، از اجزای ضروری فرایند انقلاب است. در واقع آنچه رخ می‌دهد، آن است که گروه حاکم، توسط گروهی دیگر ساقط شده، راه را برای تحولات سیاسی و اجتماعی بیشتر باز می‌نماید. به رغم وجود تشابهاتی با تعاریف فوق، انقلاب اسلامی ایران خارج از مدار سرمایه‌داری غرب و سوسیالیسم شرق رخ داد. پیش‌شرط‌های فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی (عنایت، ۱۳۷۷ش: ۴۴) به تسریع روند انقلاب اسلامی ایران کمک کرد و برخی از عوامل داخلی و خارجی، موجب پیروزی آن شد.

به طور کلی، انقلاب اسلامی را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: انقلاب اسلامی، عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت که براساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم صورت می‌گیرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴ش: ۲۱-۲۲).

این پدیده، با توجه به میزان و نوع تغییراتی که - به ویژه در داخل کشور - پدید می‌آورد، به دو نوع اجتماعی و سیاسی قابل تفکیک است. انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است؛ اما انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماع و تحول در ایدئولوژی غالب کشور (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱ش: ۱۴) انقلاب اسلامی ایران، به گفته اندیشمندان این حوزه در شمار انقلاب‌های اجتماعی جای دارد؛ زیرا از یک سو، سبب تغییر در اساس و نوع حکومت شد و از سوی دیگر به تحول در ایدئولوژی غالب و رسمی کشور و خط‌مشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در ابعاد داخلی و خارجی انجامید.

اثربخشی انتظار در انقلاب اسلامی ایران

ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عظیم‌ترین و بی‌سابقه‌ترین انقلاب تاریخ است که تحولات اساسی و همه‌جانبه‌ای را در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان همراه داشته و خواهد داشت. این انقلاب بزرگ جهانی مانند سایر انقلاب‌های اجتماعی ناشی از علل و شرایط مهمی بوده و به زمینه‌سازی‌های زیادی نیاز دارد. قیام‌ها و انقلاب‌های بیدارگرایانه از جمله اموری است که سبب تسریع در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شده و موجب بیداری و آگاهی جامعه جهانی و در نتیجه فراهم شدن زمینه ظهور می‌گردد. ادعای ما این است که انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب‌هایی است که زمینه‌ساز انقلاب جهانی حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

امام خمینی رحمته الله علیه با وقوف بر رسالت خطیر و الهی خود، هدف نهایی انقلاب اسلامی را امری فراتر از تغییر حکومت و مسائل اقتصادی؛ یعنی زمینه‌سازی انقلاب جهانی اسلام و فراهم آوردن مقدمات ظهور منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته و بر این اساس، به هدایت و رهبری انقلاب اسلامی و تحولات ناشی از آن اقدام کرده‌اند. ایشان در ماه‌های آخر عمر پربرکت خویش، به تصریح چنین فرمودند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت می‌باشد که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهاد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار داد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این به آن معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب، که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند (موسوی خمینی، ۱۳۵۸ ش: ج ۲۱، ۱۰۷-۱۰۸).

از آن جا که انتظار موعود یا به عبارتی انتظار تحقق وعده الهی در حاکمیت جهانی دین اسلام، در احیای هویت اسلامی مسلمانان و مقابله با روحیه خودباختگی و احساس حقارت در مقابل فرهنگ و تمدن مغرب‌زمین بسیار مؤثر است، امام رحمته الله علیه با ژرف‌اندیشی، احیای فرهنگ انتظار را یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله‌ای برای تحقق دوباره شوکت مسلمانان در جهان مد نظر قرار داده و در یکی از بیانات خود که در اولین سال استقرار نظام اسلامی ایراد کرده‌اند، ضمن بیان مفهوم انتظار فرج، وظیفه منتظران قدوم حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین برشمرده‌اند:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود (موسوی خمینی، ۱۳۵۸ش: ج ۷، ۲۵۵).

نیروسازی با تعلیم و تربیت

آمادگی جامعه برای ظهور حکومت مهدوی، نیازمند جلب نیرو و تعلیم و تربیت آنها است. از این رو بر منتظران است که نیروهای بالقوه را برای نیروسازی حکومت مهدوی آماده سازند و با تربیت آنها، اهداف و ماهیت آن را اشاعه دهند. این نیروسازی باید همواره استمرار و دوام داشته باشد تا زمینه برای اصلاح جامعه و آمادگی برای تحقق عدالت جهانی فراهم شود. مؤمن منتظر، بیکار نمی ماند، بلکه آماده می شود و کسانی می توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکت صحیح داشته باشند که از تعلیم و تربیت متناسب برخوردار باشند. روشن است که مهم ترین وظیفه دولت امام مهدی علیه السلام ریشه کن کردن ستم و ستمگران از سطح جامعه و ساختن جامعه ای پاک و با طراوت در سراسر کره زمین است.

و نیز روشن است که پاکسازی چنین جامعه ای از لوث وجود پلیدی های ناشی از دوری انسان ها از کرامت انسانی خویش، آن هم بدون هیچ گونه سستی و کوتاه آمدن در اجرای دستورهای حیات بخش خدایی، مستلزم درگیری با پایگاه های سلطه اهریمنانی است که منافع خویش را فقط در دل سیاه جامعه دور از اولیای خدا یافته اند لذا از عوامل دخیل در ظهور، آمادگی و پذیرش جامعه جهانی و فراهم بودن زمینه های مناسب اجتماعی در جهت پشتیبانی از حکومت و تعداد کافی یاوران آگاه و کارآمد برای کمک رسانی به رهبری و تشکیل و اداره هسته مرکزی حکومت است؛ و این امور مهم جز با تربیت نیرو و اشاعه فرهنگ مهدویت ممکن نخواهد بود.

از این رو در آیات قرآن و روایات به امر تعلیم و تربیت و نیروسازی توجه ویژه ای شده است. امام هادی علیه السلام می فرماید:

اگر پس از غیبت قائم شما، از دانشمندان کسانی نباشند که مردم را به سوی امام زمان علیه السلام بخوانند و به جانب او راهنمایی کنند و با برهان های خدایی، از دین اش پاسداری کنند و بندگان ضعیف خدا را از شبکه های ابلیس و یاران او، و از دام های دشمنان اهل بیت علیهم السلام که زمام دل ضعیفان شیعه را گرفته اند، همچون که سکان کشتی را رهایی بخشند، کسی به جای نمی ماند، مگر این که از دین خدا برگردد. چنین دانشمندانی، نزد خداوند، از گروه برتران به شمار می آیند (سهرابی، ۱۳۸۱ش: ۲۰۸).

تحقق انتظار لازمه نیروسازی

لازمه تحقق حکومت جهانی، فراهم‌سازی یاران لایق و وفادار برای حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌باشد، روایات متعدد بیانگر این واقعیت است که استمرار غیبت امام مهدی عج و عدم ظهور آن حضرت، به دلیل یافت نشدن یاران وفادار به تعداد لازم؛ یعنی سیصد و سیزده نفر است که از آن جمله می‌توان به روایت نقل شده از امام موسی کاظم عج اشاره کرد. در این روایت، ایشان خطاب به یکی از یاران خود می‌فرماید:

... ای پسر بگیر! من به تو سخنی را می‌گویم که پدران من نیز پیش از من آن را بر زبان رانده‌اند و آن این است که اگر در میان شما به تعداد کسانی که در جنگ بدر [با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم] بودند، [یاران مخلص] وجود داشت، قیام‌کننده ما [اهل بیت] ظهور می‌کرد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۷۰).

این موضوع از روایتی نیز که نعمانی آن را در کتاب خود، از امام صادق عج نقل کرده است، استفاده می‌شود:

یکی از یاران امام صادق عج بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت گردم؛ به خدا سوگند، من تو را دوست می‌دارم و هر کس که تو را دوست دارد، دوست دارم. ای آقای من! چه قدر شیعیان شما فراوانند! آن حضرت فرمود: آنان را بشمار. عرض کرد: بسیارند. آن حضرت فرمود: آنها را می‌توانی بشماری؟ عرض کرد: آنها از شمارش بیرونند. حضرت ابوعبدالله [امام صادق عج] فرمود: ولی اگر آن شماره‌ای که توصیف شده است؛ یعنی سیصد و اندی تکمیل می‌شد، آنچه در پی آنید، رخ می‌داد... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۳، ح ۴).

امام جواد عج در روایتی پس از معرفی قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر این نکته تصریح می‌کند که فراهم شدن تعداد مشخص از یاران آن حضرت (سیصد و سیزده نفر) شرط تحقق ظهور است. از این روایت نیز می‌توان استفاده کرد که استمرار غیبت به دلیل نبود تعداد مورد نیاز از یاران وفادار است:

او همان کسی است که زمین برایش در هم پیچیده می‌شود و هر سختی برایش هموار می‌گردد [و] یاران او به تعداد اهل بدر - سیصد و سیزده نفر - از اطراف زمین به گرد او جمع می‌شوند و این همان سخن خدای عزوجل است که فرمود: «هر کجا باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد. در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست» (بقره: ۱۴۸).

پس هنگامی که این تعداد از اهل اخلاص جمع شدند، خداوند امر او را آشکار می‌کند و آن‌گاه

که ده هزار نفر برای او کامل شد، به اذن خدای عزوجل خروج می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۸۰ ش: ج ۲، باب ۳۶، ۳۷۸، ح ۲).

گفتنی است شیخ مفید رحمته الله علیه نیز در یکی از رساله‌های خود بر این موضوع تأکید می‌کند که فراهم نبودن تعداد مورد نیاز از یاران برگزیده، یکی از دلایل استمرار غیبت است. او می‌نویسد:

«در مجلس یکی از رؤسا حاضر شدم، بحثی در امامت مطرح و به گفت‌وگو درباره غیبت [امام زمان علیه السلام] منجر شد. صاحب آن مجلس گفت: «آیا شیعه از جعفرین محمد علیه السلام روایت نمی‌کند که: اگر به تعداد اهل بدر - سیصد و اندی نفر - برای امام جمع شوند، خروج با شمشیر بر ایشان واجب می‌گردد؟» گفتم: این حدیث روایت شده است. گفت: ما یقین داریم که تعداد شیعیان در این زمان چندین برابر تعداد اهل بدر هستند، پس چطور با وجود روایت یاد شده، غیبت برای امام جایز می‌باشد؟ در پاسخ او گفتم: هر چند تعداد شیعیان در این زمان چندین برابر تعداد اهل بدر است و اگر به تعداد جماعت اهل بدر، اجتماع کنند، دیگر امام نمی‌تواند تقیه کند و ظهور بر او واجب می‌شود، ولی در این زمان هنوز این تعداد با ویژگی‌ها و صفاتی که در اهل بدر وجود داشت، محقق نشده است؛ زیرا لازم است که این جماعت در ویژگی‌هایی چون شجاعت، صبر بر مرگ، اخلاص در جهاد، ترجیح آخرت بر دنیا، پیراستگی باطنی از عیوب و سلامتی عقلی سرآمد باشند و در هنگام کارزار سستی و درنگ نوزند... و همه شیعیان این ویژگی‌ها را ندارند. اگر خداوند تعالی می‌دانست که در میان آنها این تعداد افراد با ویژگی‌های یاد شده وجود دارد، قطعاً امام ظهور می‌کرد و بعد از اجتماع این افراد به اندازه یک چشم برهم زدن هم غایب نمی‌شد، ولی روشن است که واقعیت این‌گونه نیست و از این رو، غیبت بر امام رواست (مفید، بی تا: ج ۷، ۱۱-۱۲).

تقویت انقلاب در نیروسازی

در روایات اسلامی وارد شده که یاران اصلی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه ۳۱۳ نفر (فرمانده)... است. جابر بن یزید جعفی، ضمن حدیث مفصلی از امام باقر علیه السلام، در بیان برخی نشانه‌های ظهور نقل می‌کند که به خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر می‌آیند که پنجاه نفر از این عده زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۲۲۲).

همچنین در روایاتی دیگر، یاران حضرت را هزاران عاشق و یار متقی معرفی می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

امام زمان علیه السلام خروج و ظهور نمی‌کند، مگر همراه یاران نیرومند و رشید و این یاران کمتر از

ده هزار نفر نیستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۲۳).

در برداشت کلی از این‌گونه روایات، تنها تعداد یاران حضرت مشخص و روشن می‌شود، ولی نکته مهم‌تر که عموماً مغفول واقع می‌شود، این است که تربیت و پرورش این تعداد نیرو (هر تعدادی که باشد) نیازمند بستر سالم اجتماعی و رشد خرد جمعی جامعه و همچنین شکل گرفتن فرهنگ مهدویت در جامعه است. با این نگاه، می‌توان در پس اعداد و ارقام مربوط به یاران اصلی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افراد فراوانی از متدینین جامعه که در تشکل فرهنگ مهدویت و بستر تربیت آن تعداد یار خاص نقش داشته‌اند را مشاهده کرد.

براساس آنچه بیان شد می‌توان به اهمیت و ارزشمندی انقلاب اسلامی ایران در ایجاد این زمینه و ارزش اقدام امام خمینی رحمته الله علیه در این برهه تاریخی از حیات بشری برد. در عصر معاصر و با توجه به سرسپردگی حکام زمان پهلوی به ایادی ظلم و ستم و استکبار جهانی و حکومت فاجر شاهنشاهی ایران، ابرمردی از سلاله پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و شاگردی راستین از مکتب امام صادق علیه السلام، با تاسی از فلسفه نهضت انسان‌ساز و جامعه‌ساز عاشورا، با توکل به خدا و استعانت از درگاه ایزد منان در مقابل این دستگاه فاجر و فاسق و سرسپرده، قد علم کرد و با انتقاد از نحوه حکومت طاغوت زمان و مقابله با فراموشی و کم‌توجهی به آرمان‌های دین مبین اسلام و در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف دست به قیام زد.

طبق وعده الهی: «ولینصرن الله من ینصره» (حج: ۴۰)، اگر برای خدا کار کنید، خدا به شما کمک خواهد کرد؛ انسان‌هایی پاک طینت و شیفته مکتب الهی اسلام، به یاری این پیر عالم و عارف، شتافته و ریشه ظلم و ستم و حکومت فسق و فجور را در هم پیچیده و پایه‌گذاری یک حکومت اسلامی به رهبری فقیهی جامع‌الشرایط را بنا نهادند.

انقلاب ۵۷ ایران انگیزه‌ای برای قیام، جز زمینه‌سازی ظهور و تشکیل حکومتی بر مبنای شرع مقدس اسلام نداشت. در این زمینه در طی ۴۲ سال اخیر، با ترویج آموزه‌های اسلام راستین، تبلیغ و تبیین معنا و مفهوم ظهور، ویژگی‌های یاوران حضرت حجت و مؤلفه‌های زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درصدد تربیت انسان‌هایی برای نیل به این مهم پرداخت. از نمونه‌های بارز آن را در طی این مدت می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره نمود:

۱. مدافعان شریعت

پایه‌گذاری فراگیر نهضت تربیت دانش‌آموختگان علوم اسلامی (چه طلاب داخلی و چه طلاب خارجی) و گسترش احداث حوزه‌های علمیه در تمام جغرافیای کشور و حتی در دورترین نقاط ایران، در راستای تربیت جوانان مؤمن و متعهد با انگیزه دفاع از آموزه‌های دینی اهل بیت علیهم‌السلام و جهاد علمی فراگیر دینی و مقابله با هجمه‌های معاندان و فرقه‌های انحرافی که در صدد ضربه زدن به دین و آموزه‌های الهی اسلام هستند. به عین‌ه همه شاهد بوده‌ایم که از اوایل انقلاب تاکنون به مثابه مدافعان واقعی شریعت، هر کجا که لازم بوده در عرصه‌های مختلف وارد عمل شده و در کنار مردم و به اقتضای زمان، به فعالیت‌های انقلابی، سیاسی، اجتماعی و جهادی پرداخته و در مقابل نامحرمان انقلاب، ایستادگی کرده‌اند. نمونه‌های بارز تربیت‌یافتگان این مکتب و مدافعان شریعت را می‌توان عالمان بلاد مختلف ایران و امثال شیخ زکزاکی در نیجریه، سیدحسن نصرالله در لبنان و... را نام برد.

۲. مدافعان وطن

چنان‌که اشاره شد انقلاب اسلامی ایران تاسی گرفته از حماسه کربلا بوده است و لازمه چنین اثرپذیری، تربیت افرادی با روحیه جهادی، تحت تشکل‌های نظامی متنوع، در راستای دفاع همه‌جانبه از آرمان‌های نهضت انقلاب اسلامی می‌باشد. این مقوله هم به مانند مقوله اول (مدافعان شریعت) به درستی بذرافشانی شد و نمونه آن را در جنگ هشت ساله دفاع مقدس که قدرت‌های دنیا در پشت قواره صدام، در صدد براندازی نظام اسلامی ایران برآمدند و با رشادت‌های بی‌شمار چون چمران، همت، کشوری، شیرودی و... تمام نقشه‌های آنان نقش بر آب شد، به نظاره نشستیم... به مدد حضور چنین افراد پاک‌باخته‌ای در بدنه قوای مسلح کشور، امروزه نیروهای نظامی کشور ایران به چنان اقتدار و بالندگی رسیده‌اند که در راستای دفاع از جغرافیای کشور و دفاع از مبانی و معارف و مقدسات دینی اسلام، هراسی در دل نداشته و هر روز فن‌آوری نظامی جدید و بازدارندگی قدرتمندی (در موشکی و پدافند هوایی، قدرت دریایی، انرژی هسته‌ای و...) را از این مجاهدان انقلاب خمینی کبیر شاهد هستیم که نمونه بارز آن را در نابودی اخیر بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در عراق شاهد بودیم.

۳. مدافعان حرم

از جمله بذره‌های کاشته شده نهضت امام راحل تربیت محافظان نظامی قدرتمند در راستای

صیانت از کشور و مکتب بود که در یک مرحله به صیانت داخلی از اراضی میهن اسلامی پرداخته و در مرحله ای دیگر، افق نگاه خود را بالاتر برده و فرمانطقه‌ای، جهت صیانت از مقدسات اسلامی در اقصی نقاط جهان، کوشش می‌کنند. نمونه بارز آن را در ماجرای توحش جدید قرن بیستم که توسط ارادل و اوباش تروریست، تحت عناوین مختلف داعش، النصره، القاعده و... نظاره‌گر بودیم. داعشی که در صدد اهانت به مقدسات برآمده بود و از هیچ جسارتی ابایی نداشت و در پشت پرده توسط استکبار جهانی ایجاد شده و حمایت می‌شد، در مقابل شیرمردان تربیت یافته انقلاب اسلامی ایران (نظامیان خبره و جوانان و نوجوانان بسیجی دهه هشتاد و نود، در داخل و خارج ایران) تحت لوای مقاومت اسلامی با عنوان زیننده مدافعان حرم، کاری از پیش نبرده و به زباله‌دان تاریخ پیوستند. از جمله این مجاهدان بدون مرز و انقلابی و مدافع حقیقی شریعت، وطن و حرم که تمام دنیا به قدرت نظامی و استراتژیک آن اذعان دارد، شهید حاج قاسم سلیمانی بود که مقام معظم رهبری در وصف شخصیت ایشان فرمودند:

او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراندید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود.

۴. مدافعان سلامت

یکی دیگر از مولفه‌های انقلاب اسلامی ایران که داعی پیاده کردن حکومت اسلامی و زمینه‌سازی ظهور دارد، با تاسی از نهضت کربلای حسینی، تربیت نیروهای مجاهدی است که در راستای حفظ جان انسان‌های جامعه، احساس مسئولیت کرده و در هر لحظه که به وجود آنها نیاز باشد، در میدان حاضر می‌شوند و آنها قشر پزشک و پرستارهای فرهیخته و مکتبی هستند (که در این انقلاب و با همین مکتب اسلامی و انسانی پرورش یافته‌اند) که در وهله‌های مختلف چه در ماجراهای ابتدای انقلاب، چه در هشت سال دفاع مقدس، چه در جبهه سوریه و در کنار مدافعان حرم و چه در مرحله حساس کنونی و برای مقابله با ویروس منحوس کرونا، حقیقتاً و به معنای واقعی کلمه نقش مدافعان سلامت جامعه را ایفا می‌کنند و زینب‌وار در رسیدگی به حال بیماران کوتاهی ننموده و دلسوزانه به وظیفه انسانی و زکات علمی خود عمل می‌کنند.

با توجه به زمینه‌سازی ظهور انقلاب اسلامی ایران، وظیفه ما در قبال ظهور حضرت و انتظار فرج چگونه باید باشد؟ رهبر فرزانه و حکیم انقلاب در این رابطه (پیرامون معنای انتظار فرج) با تاسی از آیات و روایات، راه را به ما نشان داده و فرموده‌اند:

انتظار فرج این نیست که انسان بنشینند، دست به هیچ کاری نزنند، هیچ اصلاحی را وجهه همت خود نکند، صرفاً دلخوش کند به این که ما منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم؛ این که انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی ای است که باید بیاید به وسیله خود همین انسان‌ها، با کمک همین انسان‌ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسان‌ها را بنده واقعی خدا بکند. آماده باید بود برای این کار. تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف است. انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است. انتظار سکون نیست. انتظار رها کردن و نشستن برای این که کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است؛ انتظار آمادگی است... و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده بکنند. این معنای انتظار فرج است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹ ش: ۳۹۴).

بی تردید آنچه گفته شد تبیین گوشه‌هایی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است که می‌تواند زمینه‌ساز ظهور بوده باشد. انقلاب اسلامی برای پیشبرد اهداف خویش نیازمند باورمندسازی و تقویت بنیه‌های اعتقادی است که لازمه آن هم تربیت نیروهای معتقد به ارکان مستحکم اعتقادی اسلام است که شالوده انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد و یکی از آن ارکان، موضوع امامت است که به مهدویت منتهی می‌شود و لازمه تداوم انقلاب اسلامی، تکیه بر ولایت فقیه است که از مؤلفه‌های اساسی و مکمل امامت در عصر ظهور است و نیروهای تربیت یافته هم بلاشک باید باورمند به ولایت فقیه بوده باشند تا بتوانند از انقلاب اسلامی حفظ و حراست نمایند؛ بنابراین مقوله انتظار و نیروسازی در تقویت انقلاب اسلامی و تداوم آن می‌تواند نقشی کلیدی و کارساز داشته باشد.

نتیجه‌گیری

نیروسازی، تربیت نیرو و به تبع آن انتظار از مؤلفه‌های تأثیرگذار در پایایی و پویایی انقلاب اسلامی ایران هستند. لازمه ترویج و توسعه فرهنگ انتظار و مهدویت، تربیت نیروهای سالم، خیره و توانمند و متخلق به اخلاق الهی و اسلامی است که بی تردید مقوله تعلیم و تربیت از مؤلفه‌های اثربخش در این زمینه است و اگر نیروسازی به شیوه مطلوب صورت پذیرد، فرهنگ انتظار نیز جایگاه مطلوب خود را خواهد داشت و به تبع آن، پایه‌های انقلاب اسلامی تقویت گردیده و عرصه برای انتظار و مهدویت نیز فراخ‌تر خواهد گردید.

از جمله یافته‌ها و برون‌داد این پژوهش می‌توان گفت که برای تحکیم پایه‌های انقلاب اسلامی و تقویت ارکان آن، نیازمند باورپذیری و تحکیم بنیه‌های اعتقادی و امید به آینده است که آن هم با ترویج فرهنگ انتظار، تربیت نیرو و یا به بیان دیگر نیروسازی است؛ بنابراین تقویت فرهنگ انتظار و نیروسازی، عرصه را برای تحکیم ارکان انقلاب اسلامی و استمرار آن فراهم و مستعد می‌سازد و زمینه‌های اساسی در رابطه با امید به آینده را در سایه استمرار انقلاب اسلامی مهیا می‌سازد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰ ش)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: دارالحدیث، اول.
۲. آرنز، هانا (۱۳۶۱ ش)، *انقلاب*، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
۳. بهشتی، محمد (۱۳۸۷ ش)، *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، اول.
۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱ ش)، *انقلاب اسلامی ایران*، قم: نشر معارف.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹ ش)، *انسان ۲۵ ساله*، تهران: مرکز صهبا.
۶. رفیعی، بهروز (۱۳۸۸ ش)، *آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، تهران: مؤسسه چاپ سبحان، دوم.
۷. سهرابی، صادق (۱۳۸۱ ش)، «به نقل از شهید ثانی، منیة المرید»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، ش ۵.
۸. صدر و دیگران، احمد (۱۳۷۳ ش)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. صدر، سیدمحمد (بی‌تا)، *تاریخ الغیبة الکبری*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. طبرسی، علی بن حسن فضل (۱۳۷۹ ش)، *مشکاة الأنوار فی غرر الاخبار*، قم: دارالثقلین.
۱۱. طلوعی، محمود (۱۳۷۲ ش)، *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران: نشر علم.
۱۲. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲ ش)، *فرهنگ سیاسی*، تهران: آشیان.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴ ش)، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: نشر طوبی.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۵۶ ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۱۵. عنایت، حمید (۱۳۷۷ ش)، «انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی»، ترجمه: امیرسعید الهی، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره‌های ۱۳۷ و ۱۳۸.

۱۶. گلدستون، جک (۱۳۸۵ش)، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
۱۷. لاکویر، والتر (۱۳۷۸ش)، انقلاب: گزیده مقالات سیاسی-امنیتی، ترجمه: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، تهران: بینش.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۷۱ش)، التحقیق فی کلمات القرآن، قم: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲ش)، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، یازدهم.
۲۲. مفید، محمد بن محمد نعمان (بی تا)، الرسالة الثالثة فی الغیبة، بی جا: بی نا.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۸ش)، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، کتاب الغیبة، تهران: نشر صدوق.
۲۵. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵ش)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علم.